

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

گزارش راهبردی

مسئله هویت طلبگی

هیئت اندیشه ورزی

علمی تربیتی

خردادماه ۹۸

۱. بیان مسئله..... ۴
- ۱-۱. مسائل و معضلات تعلیمی..... ۴
- ۲-۱. مسائل و معضلات کارکردی..... ۴
- ۳-۱. مسائل و معضلات مربوط به زی طلبگی..... ۴
۲. پیشینه..... ۵
۳. چیستی هویت طلبگی..... ۵
۴. عوامل مؤثر بر هویت و بحران آن..... ۵
- ۴-۱. حوزه علمیه..... ۶
- ۴-۱-۱. نظام تعلیمی حوزه‌ها..... ۷
- ۴-۱-۲. نظام تهذیبی حوزه‌ها..... ۷
- ۴-۱-۳. بحران هویتی در سازمان روحانیت..... ۷
- ۴-۲. جامعه..... ۸
- ۴-۲-۱. روحیات فردی..... ۸
- ۴-۲-۲. رقبای روحانیت..... ۹
- ۴-۲-۳. مردم..... ۹
۵. راهبردها و راهکارهای حل مسئله..... ۱۰
- ۵-۱. ارتقاء بهره‌وری نظام آموزشی و ایجاد جامعیت در آن..... ۱۰
- ۵-۱-۱. اصلاح متون و روش‌های آموزشی برای صرفه‌جویی در وقت..... ۱۰
- ۵-۱-۲. نگاه جامع به علوم اسلامی و نیازهای جامعه..... ۱۰
- ۵-۲. بازسازی نظام تربیتی حوزه‌ها با توجه ویژه به استاد محوری..... ۱۰
- ۵-۲-۱. بازگشت به استاد محوری و لزوم اهتمام اساتید به شاگرد پروری..... ۱۱
- به کارگیری بیشتر تعلیمات غیرمستقیم به طلاب..... ۱۱
- ۵-۲-۲. توجه جامع تربیتی..... ۱۱
- ۵-۳. بازسازی سازمان حوزه‌های علمیه با توجه به نیازها و اصول هویتی..... ۱۲
- ۵-۳-۱. بهسازی نظام نظارتی..... ۱۲
- ۵-۳-۲. پژوهش..... ۱۳

- ۳-۳-۵. اصلاح سیاست‌گذاری‌ها ۱۳
- ۴-۵. تثبیت و ارتقاء کارکردهای روحانیت با توجه به مقتضیات جامعه ۱۳
- ۱-۴-۵. تقویت کارکردهای اصیل و سنتی ۱۳
- ۲-۴-۵. مدیریت ورود به خدمات اجتماعی ۱۴
- ۳-۴-۵. تثبیت و پالایش کارکردهای جدید ۱۴
- ۵-۵. ترویج دین‌داری اصیل و عقلانی و مقابله با قرائت‌های انحرافی و سطحی ۱۴
- ۶-۵. ایفای نقش فعال روحانیت در بازسازی هویتی و به حداقل رساندن انفعال ۱۴

۱. بیان مسئله^۱

سخن گفتن از بحران طلبگی در گام اول با تردید در اصل آن در وضعیت کنونی مواجه می‌شود. علیرغم آنکه عده قابل توجهی از افراد سرشناس حوزوی در این باره سخن گفته‌اند و به طرح مباحثی در این خصوص پرداخته‌اند، اما می‌توان در وجود اصل بحران مخالفت‌هایی را مشاهده نمود.

این اختلاف‌نظرها را می‌توان به دلیل اختلاف در چیستی هويت طلبگي دانست خصوصاً که عرضیات ایجاد شده در ذیل این هويت، با گذشت ایام طیف گسترده‌ای را در بر گرفته است.

باملاحظه این اختلاف نظر ابتدایی، می‌توان فارغ از حل آن، هويت طلبگي را یک مساله مهم دانست که باید به آن اهتمام ورزید. چراکه عده قابل توجهی از حوزویان (خصوصاً بزرگان) رخ دادن خدشه در هويت را احساس نموده و به دنبال چاره‌جویی برای حل آن هستند که از نگاه جامعه‌شناختی همین مقدار در مساله شدن یک موضوع کفایت می‌کند.

از سوی دیگر این ادعا را می‌توان مسلم دانست که: موضوع هويت امروز مسائل متعددی را برای حوزه و روحانیت ایجاد نموده است و یک عامل اساسی و محوری در تولید مشکل شده است؛ به عبارت دیگر تلقی افراد از هويت و کنش‌ها و تصمیم‌گیری‌های ناشی از آن تلقی، در نهاد روحانیت چالش‌هایی ایجاد نموده است که در ادامه برخی از آن‌ها مطرح می‌شود:

۱-۱. مسائل و معضلات تعلیمی

اکنون بحث تحول حوزه، یک موضوع مهم در حوزه محسوب می‌شود که موضع‌گیری و جهت‌گیری‌های متفاوتی در رابطه با آن قابل مشاهده است. یک عامل مهم و اثرگذار در این تفاوت‌ها، تلقی افراد از هويت طلبگي است. برخی با تلقی مدنظر خود، لزوم تغییر در کتب آموزشی و علمی را ضرورتی حتمی می‌دانند و برخی دیگر با تلقی خود از هويت، با این تغییرات مخالفت‌هایی ابراز می‌دارند. این اختلافات سابقه‌ای نسبتاً طولانی دارد. در گذشته به دلیل احساس برخی بزرگان حوزه از تعارض تعلیم زبان خارجی، یا تعلیم فلسفه و ... با هويت طلبگي، مخالفت‌های جدی با آن‌ها ابراز شده تا آنجا که امکانات در اختیار روحانیت از افرادی که در این مسیرها برون‌داری شده است و برای آنان که بیشتر بر فلسفه و تعلیم زبان اصرار ورزیده‌اند، واکنش‌های تندی اعمال گشته است. امروز نیز برخی پرداختن به محورهای جدیدتری را در تعلیم لازم می‌دانند که به دلیل تلقی انحصار هويت طلبگي در فقه مصطلح و رایج با آن‌ها مخالفت می‌شود.

۱-۲. مسائل و معضلات کارکردی

با پیروزی انقلاب اسلامی، میدان نقش‌آفرینی بسیار گسترده‌ای پیش روی طلاب قرار گرفته است در کنار آنکه تصدی مشاغل متفاوتی نسبت به گذشته نیز تسهیل شده است. مثل آنکه امروز برخی روحانیون در اموری چون فیلم‌نامه‌نویسی ورود کرده‌اند و برخی نیز به سراغ کارمندی رفته‌اند.

^۱ این گزارش باهدف پرداختن به مسائل فعلی و رسیدن سریع‌تر به نتیجه از ورود عمیق در مباحث نظری اجتناب نموده و مطالبی جهت تصمیم‌سازی گردآوری کرده است؛ بنابراین باید در نظر داشت این متن متولی پژوهش‌های علمی و متقن نیست هرچند می‌تواند زمینه‌ساز تشخیص برخی از نیازهای پژوهشی گردد و برای مسئولان حوزه علمیه (از سطوح عالی تا مدیران مدارس علمیه) قابل استفاده است.

شرایط عصر حاضر نیز عرصه‌هایی چون فضای مجازی را ایجاد نموده است که اگرچه امروز، ضرورت حضور روحانیت در آن به شکل فراگیری مقبول قرار گرفته، اما احساس تعارض این کار با هویت طلبگی در ورود در این عرصه، تأخیر ایجاد نمود هرچند اکنون نیز چگونگی نقش آفرینی روحانیت در این عرصه، مساله ای چالش برانگیز گشته است که تلقی‌ها از هویت طلبگی به‌وضوح در این چالش اثرگذار است.

نوع حضور در مسائل سیاسی و اجتماعی نیز جنبه دیگری است که می‌تواند تأثیرات تلقی‌ها متفاوت از هویت طلبگی را در آن مشاهده نمود. درحالی‌که برخی شأن خود را اجل از موضع‌گیری جناحی به نفع یک گروه می‌دانند، برخی دیگر حمایت از یک گروه را وظیفه‌ای طلبگی می‌دانند همچنین اگرچه با ارائه خدمات اجتماعی از جانب طلاب (از امدادسانی در زلزله تا توزیع غذا بین معتادان و زنان بدکاره) مخالفتی ابراز نمی‌شود، اما می‌توان به‌وضوح دریافت که برخی این کارها را از شئون طلاب نمی‌دانند و حداقل در اقتضائات نوع ورود طلاب به این کارها متناسب با درک خود از هویت طلبگی، ملاحظاتی دارند.

۱-۳. مسائل و معضلات مربوط به زی طلبگی

تغییر در زی طلبگی امری بسیار مشهود و با دایره‌ای بسیار گسترده است. این تغییرات از سویی برخی بزرگان که به سنت‌های گذشته انس داشته‌اند؛ را نگران کرده است و از سوی دیگر برخی طلاب جوان پایبندی به آن‌ها را لازم نمی‌دانند. لباس مخصوص روحانیت از سوی برخی افراد اصلاً لازم شمرده نمی‌شود و برخی دیگر به تعبیر حوزویان، دوزیستی را پیشه کرده‌اند و تنها برای برخی کارکردها و در برخی اوقات ملبس می‌گردند. تلاش برای کسب مدرک، افتخار به القابی چون دکتر در کنار حجت‌الاسلام، انگیزه داشتن برای کسب شغل و ... از تغییرات قابل توجه زی طلبگی است که می‌توان رد پای تلقی از هویت طلبگی را در آن مشاهده نمود و چه‌بسا از منظر برخی، اولویت دادن به نقش‌های علمی و اجتماعی، سبب کم‌توجهی به تهجد شده باشد.

۲. پیشینه

در این موضوع پژوهش‌ها و مطالب متنوعی وجود دارد که از جمله آن‌ها می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

کتاب هویت صنفی طلبه و معنای طلبگی اثر آقای عالم زاده نوری، کتاب هویت طلبگی اصول، شاخص‌ها و رسالت‌ها اثر آقای محسن آذری، رهنامه پژوهش شماره پنجم با محوریت مباحث مربوط به هویت طلبگی

همچنین مصاحبه‌ها و سخنرانی‌های بسیاری می‌توان در این موضوع یافت که البته به نحو سطحی و گذار به موضوع ورود نموده‌اند؛ و علاوه بر این‌ها برخی از اسناد تهیه شده در بخش‌های مختلف حوزه می‌تواند در این موضوع مورد توجه باشد از جمله سند کار ویژه‌های روحانیت و ...

۳. چستی هویت طلبگی

اگرچه رسیدن به تعریف واحد و کامل از هویت طلبگی امری دشوار است اما پیش از هر چیز لازم است، به توافقی اجمالی بر چستی هویت طلبگی تمسک کرد که با توجه به آن بتوان به حل مسائل فعلی مبادرت ورزید.

هویت طلبگی در برخی از متون مورد اقبال این گونه تعریف شده است: طلبه در راه شناخت عمیق دین خدا و ابلاغ، دفاع و اجرای آن می‌کوشد و برنامه خدمت اجتماعی خود را در این رسالت متمرکز کرده است؛ یعنی برخلاف دیگر مردم که عمده زمان و توان خود را در برنامه‌های دیگر می‌گذرانند طلبه سرمایه، توان و زمان خود را عمدتاً به ارتباط با منابع دینی و تلاش برای فهم و تبلیغ آن یا دفاع از آن یا گسترش زندگی دینی در سطح جامعه صرف می‌کند.^۲

جهت وضوح بیشتر معنا و مقصود از هویت طلبگی نکات مهم دیگری را باید مدنظر قرار داد:

۱. هویت را می‌توان از جهات مختلف مدنظر قرار داد. هویت فردی، هویت گروهی و ... آنچه در اینجا مقصود است، هویت گروهی یا نوعی یا صنفی طلاب است.
۲. هویت گروهی مجموعه‌ای از عوارض و اوصاف پایدار یا ما به الاشتراکها و ما به الافتراق‌هایی است که با توجه به آن، یک گروه از دیگران متمایز می‌شوند.
۳. مقوم اصلی و اولیه هویت طلبگی، از منظر نصوص دینی آیه نفر است که دو محور عمده تفقه و انذار را تبیین می‌نماید. البته می‌توان با توجه به نصوص و دلایل دیگر اموری چون: جانشینی و ادامه مسیر انبیاء، عالم عامل بودن و ... را هسته اصلی هویت طلبگی برشمرد. همچنین می‌توان هویت روحانیت را با نگاه‌های تاریخی به زندگی علما تعیین نمود.
۴. اگر تنها به دو محور تفقه و انذار بسنده شود، هر کدام از این دو ملازماتی دارد که برخی از آن‌ها مثل لزوم عامل بودن به دین و اخلاق‌مداری بسیار روشن و بین است و برخی از آن‌ها ملازمه‌های مبهم و چه بسا اختلافی دارند خصوصاً در محور انذار که می‌تواند با مسائل مرتبط با تحقق دین ارتباط یابد و دامنه بسیار گسترده‌ای را شامل شود تا آنجا که توانایی روضه‌خوانی هم گاهی از لوازم طلبگی محسوب شده است.
۵. هر طلبه‌ای در کنار خصائص نوعی خود، برخی از خصائص فردی را دارد که این خصائص در ارتباط با هویت نوعی، روابط متفاوتی دارد که باید در یک طیف گسترده دیده شود. در واقع هر خصیصه فردی می‌تواند همسو، متعارض یا خنثی نسبت به هویت طلبگی دیده شود. مثل آنکه یک فرد در ضمن طلبه بودن، می‌تواند ورزشکار، مهندس، موسیقی‌دان یا ... باشد.
۶. برخی از عرضیات ملحق شده به هویت طلبگی می‌توانند بسیار پررنگ و تعیین کننده شوند. مثل لباس طلبگی، فقه محوری، نحوه گذران معیشت و ... خصوصاً با توجه به اینکه نمادها و رفتارها، ساده‌تر از اغراض کلان یک فرد قابل مشاهده هستند.
۷. اگرچه روحانیون (از طلاب مبتدی تا عالی‌ترین سطوح) تفاوت‌ها و تمایزات جدی با یکدیگر دارند، اما هسته اصلی هویت طلبگی می‌تواند همه این افراد را علیرغم درجات مختلف، در ذیل یک محور بگنجانند.
۸. کلیدواژه‌هایی هم‌راستا با مبحث هویت طلبگی وجود دارد که توجه به آن‌ها نیز راهگشاست. تعبیری نظیر زی طلبگی، رسالت طلبگی، دغدغه‌های طلبگی، عیار طلبگی

۴. عوامل مؤثر بر هویت و بحران آن

جهت حل مشکلات و مسائل مربوط به هویت طلبگی، شناسایی علل و عوامل مؤثر بر آن، سبب توجه اصولی برای حل مسائل و رسیدن به راهکارهای لازم خواهد شد، از همین رو ابتدا تلاش می‌شود، این علل و عوامل به نحو مفیدی شناسایی شوند و

^۲. دفتر دوم از مجموعه تألیفات راه و رسم طلبگی از آقای عالم زاده نوری

روشن گردد در وضعیت کنونی، هویت طلبگی تحت تأثیر چه مؤلفه‌هایی دچار اختلال شده است. این عوامل را می‌توان در دو بخش کلی مرتبط به حوزه علمیه و جامعه جای داد.

۱-۴. حوزه علمیه

حوزه علمیه به‌عنوان مهم‌ترین سازمان مرتبط به روحانیت و مرکز اصلی تعلیم و تربیت طلاب، نقش بسیار گسترده‌ای در شکل‌گیری هویت طلبگی دارد و از جهات مختلفی می‌تواند تأثیرات نامطلوبی بر آن به‌جای گذارد. مهم‌ترین تأثیرات در ادامه تبیین می‌شود.

۱-۱-۴. نظام تعلیمی حوزه‌ها

رسالت اصلی علمی حوزه‌های علمیه را می‌توان تربیت اسلام‌شناس دانست حال‌آنکه برنامه درسی حوزه‌های امروز را می‌توان آموزش ابزارهای نیل به نگاه اجتهادی فقهی و اصولی دانست که از چند جهت اشکالاتی متوجه آن است:

۱. اسلام‌شناسی اعم از اجتهاد مصطلح امروزی است و رشته‌های مختلف علوم اسلامی با عدم توجه مطلوب مواجه هستند.

۲. آغاز فرآیند آموزشی با تعلیم ابزارها (ادبیات عرب، اصول و ...) سبب می‌شود کسانی که نمی‌توانند به شکل مناسبی مسیر را تکمیل کنند، از کسب حداقل‌های لازم اسلام‌شناسی بی‌بهره بمانند و بهره‌ای قابل توجهی نداشته باشند.

۳. فقه رایج امروز در مسیر پاسخگویی به نیازها، دچار ضعف کارآمدی است.

فارغ از محتوای آموزشی، اشکالات متعددی نیز متوجه روش آموزشی حوزه‌ها گشته است و گفته می‌شود چه‌بسا بتوان مهارت‌های لازم را به شکلی مطلوب‌تر و در زمانی کوتاه‌تر برای متعلمین ایجاد نمود.

درک این مشکلات سبب شده، حوزه به تأسیس مؤسسات متعدد آموزشی در رشته‌های مختلف روی آورد و حتی برای بهینه نمودن آموزش فقهی نیز مؤسسات فقهی ایجاد نماید. از سویی نیز برخی از کتاب‌ها را به‌عنوان دروس جنبی در برنامه آموزشی خود وارد نماید و برای برخی متون نیز جایگزین‌هایی تدوین نماید؛ اما حاشیه‌ای کردن راه رفع این مشکلات و زمان‌بر بودن تغییر سنت‌های دیرپا علی‌الخصوص با توجه به برخی مخالفت‌ها، سبب شده طلاب در بهره‌مندی از اسلام‌شناسی شایسته، خود را ناکام ببینند و از این جهت بحران‌های هویتی می‌تواند برای طلاب مطرح گردد خصوصاً در زمانه‌ای که توقعات بسیار گسترده گشته و از حوزه‌ها توقع ایفای نقش کارآمد در ایجاد تمدن جدید اسلامی ابراز می‌شود.

۲-۱-۴. نظام تهذیبی حوزه‌ها

اخلاق‌مداری و تهذیب برای روحانیت عنصری بسیار حیاتی است که لازمه توفیق در ترویج دین است. عنصری که بدون آن طلاب، با اسلام‌شناسان یهودی دانشگاه‌های خارجی تمایز چندانی نخواهند داشت و بخش مهمی از هویت طلبگی، مرهون همین خصیصه است؛ اما متأسفانه امروزه اخلاق‌های جدی در این مؤلفه ایجاد شده و نگرانی بزرگان حوزه را برانگیخته است. بخشی از این مشکل متأثر از تغییرات نظام تربیتی حوزه‌ها است.

۱. کم‌رنگ شدن سنت استاد محوری و شاگرد پروری، اخلاق را به حاشیه حوزه‌ها رانده و به‌عنوان درسی جنبی مطرح ساخته و از فرآیندی همیشگی حذف نموده است.

۲. افزایش سن ورودی حوزه‌ها، فرصت تربیتی در ابتدای نوجوانی را کاهش داده و فرصت حضور در محیط حجره‌ها کوتاه‌تر و کم‌بهره‌تر شده است.
۳. نظام تنبیهی و کنترلی حوزه (از صیانت حوزه تا دادگاه ویژه و برنامه حضور و غیاب و امتحان و ...) به دلایل متعددی چون پررنگ‌تر شدن هویت نوعی طلاب در جامعه، افزایش صد برابری جمعیت طلاب و ... رشد بسیاری نموده و نقش اراده فردی را به حاشیه رانده و در وجود نظام تهذیبی مطلوب اختلال ایجاد نموده است.
۴. اهتمام زیاد به مسائل علمی و کارکردهای اجتماعی خصوصاً در سنین پایین‌تر، فرصت تهذیب مناسب را مخدوش نموده است.

گسترده‌گی این عوامل و تأثیر آن‌ها، با تلاش‌هایی که برای گسترش درس اخلاق که چه‌بسا با حضور و غیاب اجباری تعقیب می‌شود، مهار نمی‌گردد، از همین رو جامعه‌ای که تصور قدسی از روحانیت دارد، با مشاهده برخی اتفاقات، در تصور خود از هویت روحانیت دچار تعارض گشته و طلاب نیز حتی اگر در نگاه اولی متوجه خدشه در هویتشان نگردند، این مشکل را در واکنش جامعه ملاحظه خواهند نمود.

۳-۱-۴. بحران هویتی در سازمان روحانیت

مشکلاتی که در نظام تعلیمی و تهذیبی حوزه‌ها روی داده؛ ناشی از روی دادن بحران در سازمان روحانیت است. سؤالات و توقعات بسیاری که یک‌باره متوجه حوزه‌ها گشته و رشد ده‌ها برابری تعداد طلاب، سبب برخی ناکارآمدی‌ها در ایفای رسالت حوزه‌ها گشته که گذر از برخی سنت‌ها را لازم نموده، اما این گذر به شکل کامل و مطلوب رخ نداده است.

۱. حوزه‌ها در هدایت و مشاوره مطلوب به طلاب دچار اختلال هستند و طلبه‌ها در یافتن راه مطلوب با توصیه‌های غیر اقناع‌کننده یا متعارضی مواجه هستند که سبب احساس بحران هویتی در طلاب می‌شود.
۲. حوزه‌ها بر برخی پوسته‌های هویتی و عوارضی که لازمه روشن با هویت طلبگی ندارند، به شکل غیر مناسبی اصرار می‌کنند و بر تعارض تلقی از هویت طلبگی دامن می‌زنند. (مثل ابهامات مربوط به تلبس)
۳. حوزه در نظام ارزیابی و ارزش‌گذاری خود دچار ضعف کارآمدی گشته و از دامن زدن به مدرک‌گرایی و شیوه نامناسب امتحان‌گیری (منجر به اموری چون تقلب در امتحان تا به‌کارگیری گسترده جزوات و ...) تا بی‌ارزش تلقی نمودن شئون تبلیغی، به اختلالات هویتی دامن زده است.
۴. حوزه در تأمین مناسب نیازهای طلاب دچار ضعف گشته است. عدم تأمین مناسب استاد ماهر و توانمند برای تمام طلاب به نظام تعلیمی و تهذیبی آسیب رسانده و اختلال در نظام معیشتی طلاب سبب روی آوردن به اقدامات مخل زی طلبگی و معارض با هویت طلبگی شده است.

متأسفانه عدم توافق گفتمانی بزرگان حوزه و عدم توجه مطلوب به نیازهای عصری، سبب می‌شود افق چندان روشنی برای حل این مشکلات در کوتاه‌مدت قابل مشاهده نباشد.

۲-۴. جامعه

طلاب بخشی از جامعه هستند از همین رو تحولات گسترده رخ داده در جامعه در پی رشد مدرنیته و پیروزی انقلاب اسلامی ایران، طلاب را تحت تأثیر قرار داده است که بخشی از این تأثیرات به هویت طلبگی مرتبط هستند.

۱-۲-۴. روحیات فردی

بخشی از تأثیرات جامعه، بر روحیات فردی حوزویان است که محورهای مهم آن بدین شرح‌اند:

۱. پیروزی انقلاب اسلامی، سبب تغییر گسترده در کارکردهای روحانیت گشته است و امکان مشاغل جدیدی را برای آنان فراهم کرده است. از همین رو در ورودی حوزه‌ها می‌توان طیف متنوع و گسترده‌تری از انگیزه‌ها را مشاهده نمود و انگیزه‌های دنیوی حتی کسانی را که در هنگام آغاز طلبگی خلوص بیشتری داشته‌اند تحت تأثیر قرار می‌دهد و رسالت محوری که هسته اصلی هویت طلبگی است جای خود را به شغل محوری می‌دهد. خصوصاً که ساده زیستی گذشته طلاب، حتی در ذهنیات طلاب مقبول نیست.
۲. ابزارهای تکنولوژیک، رسانه‌ها، فضای مجازی و ... فرهنگ غالبی دارند که طلاب نیز از آفات آن مصون نمانده‌اند.
۳. پیروزی انقلاب، نقش تاریخی اپوزیسیونی طلاب در مقابل حکومت‌ها را تغییر داده و آن‌ها را به مدافعان حکومت تبدیل کرده است که گاهی به توجیحات ناروای مشکلات نیز مبتلا می‌گردند و از این جهت به هویت طلاب در پناه مردم بودن خدشه وارد شده است. همچنین طلاب با پذیرش فراگیر نظامات دنیوی رایج، مثل معاملات بانکی و ... نیز می‌توانند با عناصر معارض هویتی مواجه گردند.
۴. ضعف کارآمدی حوزه و روحانیت در پاسخگویی به مطالبات اجتماعی و نقش‌آفرینی تاریخی، سبب تضعیف اعتمادبه‌نفس طلاب گشته تا آنجا که برخی طلاب در مقاطعی سعی در کتمان هویت خویش دارند.

۲-۲-۴. رقبای روحانیت

در جامعه امروز، روحانیت رقبایی دارد که در هویت آن به انواع گوناگون خدشه ایجاد می‌کنند.

۱. گسترش شبهه طلبه‌ها (از بانوان طلبه تا دانشجویان دانشگاه‌هایی مثل دانشگاه امام صادق (ع) اگرچه از یک منظر نکته مثبتی برای جامعه محسوب می‌شوند، اما دایره تمایزات طلاب با افراد دیگر را مخدوش نموده و ابهاماتی در آن ایجاد می‌کنند که تلقی هویتی را مخدوش می‌نماید.
۲. برخی از کارکردهای روحانیت، رقبایی جدی پیدا نموده است. نقش مداحان و سازمان‌ها در مدیریت مناسک دینی بسیار پررنگ شده و حوزه و روحانیت را تا حدی به حاشیه رانده‌اند! و روشنفکران مذهبی نیز با ارائه مباحث اسلام‌شناسی، محوریت و اصالت روحانیت در این کار را دچار تغییراتی نموده‌اند.
۳. دشمنان روحانیت و رسانه‌های معارض، بر دامنه حملات به روحانیت افزوده‌اند و آن‌ها را گروهی بی‌فایده به حال جامعه و بدون کارکرد معرفی می‌نمایند و هویت روحانیت را دچار خدشه جدی می‌نمایند.

۳-۲-۴. مردم

تلقی مردم از چیستی هویت طلبگی عنصری تعیین‌کننده در آن است:

۱. رشد و تغییر توقعات مردم از روحانیت، از سویی سبب تصدی‌گری سریع‌تر ایفای نقش‌ها از جانب طلاب می‌شود و فرصت تعلیمی و تهذیبی آن‌ها را محدود می‌کند و از سوی دیگر از آن‌ها ایفای نقش‌هایی را می‌طلبند که ارتباط آن با هویت طلبگی چندان روشن نیست. (مثل لزوم مقابله حوزه با مفسد اقتصادی و ...)
۲. تلقی تقدس‌انگارانه جامعه از روحانیت در موضعی که جنبه مادی و بشری روحانیت نادیده انگاشته می‌شود، یا در مواقعی که گذشته حوزویان را به شکلی غیرواقع بینانه و بسیار آرمانی ملاحظه می‌کنند، سبب احساس اخلال در هویت طلبگی در امروز می‌شود.

۳. گسترش مخاطبان روحانیت و محیط‌های ایفای نقش آن‌ها، از پادگان‌ها و زندان‌ها تا کشورهای دیگر و ... دایره بسیار گسترده‌ای از تأثیرات را ایجاد می‌نماید که می‌تواند از جهاتی هويت طلبگي را تحت تأثیر قرار دهد.

۵. راهبردها و راهکارهای حل مسئله

اگرچه تبیین عوامل مؤثر بر مساله هويت، نقاط لازم برای درمان مساله را مشخص نموده و مسیر را نشان می‌دهد، اما تبیین دقیق‌تر و جامع راهبردها و پرداختن به برخی نکات جزئی می‌تواند راهگشا باشد که در اینجا بدان پرداخته می‌شود.

۱-۵. ارتقاء بهره‌وری نظام آموزشی و ایجاد جامعیت در آن

جهت رفع مشکلات نظام آموزشی حوزه‌های علمیه محورهای عمده‌ای که باید مدنظر قرار گیرند، بدین شرح است:

۱-۱-۵. اصلاح متون و روش‌های آموزشی برای صرفه‌جویی در وقت

روند تغییر کتب درسی حوزه‌ها، جریان یافته؛ هرچند که سرعت لازم و اهتمام کافی بدان مبذول نشده است؛ اما آنچه باید مورد تأکید ویژه قرار گیرد، لزوم شروع دروس حوزوی با تعلیم اسلام‌شناسی تقلیدی است تا در لایه‌های تعلیمی تکمیلی، به اسلام‌شناسی اجتهادی تبدیل گردد و الا رویه فعلی که با تمرکز بر تعلیم ابزارهای اجتهادی است معایب خود را در ضعف اسلام‌شناسی نیروهای خروجی حوزه نشان داده است؛ خصوصاً که طیف گسترده‌ای از طلاب دوره تمحض تحصیلی کوتاهی دارند و تا مراحل نهایی دوره‌های آموزشی را به‌خوبی طی نمی‌کنند. همچنین در شیوه‌های آموزشی، هدایت طلاب به سمت کلاس‌های با جمعیت کمتر در دوره‌های سطح و خارج امر لازمی است که اهتمام جدی بدان مشاهده نمی‌شود. حال آنکه کلاس‌های شلوغ به جای ماهیت آموزشی، به‌نوعی جلسه استماع سخنرانی تبدیل شده‌اند که تقویت تقریر نویسی نیز می‌تواند در کوتاه‌مدت تا حدودی آفات موجود در این بخش را درمان نماید.

۲-۱-۵. نگاه جامع به علوم اسلامی و نیازهای جامعه

رویه موجود در نظام آموزشی حوزه، تعقیب برنامه آموزشی برای نیل به اجتهاد فقهی خاصی است که باید مراقب بود اصطلاحاتی چون لزوم نگاه اجتهادی با ایجاد تصور از وضعیت مطلوب ما را از مشکلات موجود غافل نسازد. اگرچه نیل به شناخت اجتهادی نقطه آرمانی و مطلوب است، اما واقعیت‌ها نشان می‌دهد برنامه‌های فعلی، توجه کافی به بسیاری از شاخه‌های علوم اسلامی نظیر کلام، فلسفه، حدیث، تفسیر، اخلاق، عرفان، تاریخ و ... ندارد و اگرچه برخی از بزرگان در انواع رشته‌ها، توانایی‌هایی کسب می‌کنند، اما نه این مقدار برای عموم میسر است و نه پرداختن به تمام رشته‌ها، تخصص بالایی در همه آن‌ها برای یک نفر به وجود می‌آورد. لذا لازم است با تقویت مؤسسات آموزشی از جهت جایگاه و کیفیت آموزشی، سایر رشته‌های علوم اسلامی خصوصاً با توجه به مطالبات اجتماعی مورد اهتمام قرار گیرند و با هدایت مناسب استعدادها به سمت آن‌ها، احساس مفیدی و کارآمدی طلاب تقویت شود و مسیر برای کارآمدی مناسب طلاب در انتهای هر مقطع تحصیلی هموار گردد بدین معنا که اگر طلبه‌ای تنها بخشی از دوره‌های آموزشی حوزه را تعقیب نمود، به همان میزان دست آوردهایی برای کارآمدی کسب نموده باشد و بتواند به برخی از کار ویژه‌های روحانیون مشغول شود. طبیعتاً این کار با برنامه درسی واحد برای همگان و حاشیه‌ای نگاه‌داشتن غیر فقه و اصول و اجباری نمودن تمام دوره‌های فقهی و اصولی برای همگان مهیا نخواهد شد.

۲-۵. بازسازی نظام تربیتی حوزه‌ها با توجه ویژه به استاد محوری

اخلاق، معنویت و تهذیب از اصلی‌ترین مؤلفه‌های سازنده هویت یک روحانی است که روحانی بدون آن‌ها حتی اگر عالم باشد، مورد اقبال مردم نخواهد بود. از همین رو در نظام تعلیمی حوزه‌ها، تربیت و تهذیب باید بر تعلیم مقدم باشد و عناصری که با تغییر نظام تعلیمی به این امر مهم اخلال وارد کرده‌اند، اصلاح شوند و اخلاق از قرار داشتن در حاشیه به موضع اصلی خویش و جایگاه فراگیر بازگردد. اصلاح این مهم با توجه به شرایط موجود از چند طریق ممکن است:

۱-۲-۵. بازگشت به استاد محوری و لزوم اهتمام اساتید به شاگرد پروری

در نظام آموزش سنتی حوزه، دو خصیصه مهم، فرآیند محوری و استاد محوری نقش به‌سزایی در تأمین اهداف نظام تعلیمی داشته‌اند. طلاب تحت نظارت مستمر و جامع اساتید خود، مسیر رسیدن به علوم و مهارت‌های لازم را کسب می‌کردند و با توجه به اهداف اصیل از جنبه تهذیبی نیز رشد می‌کردند؛ اما با رشد گسترده کمیت طلاب و تحولات سازمانی، برنامه منسجم و واحد، خصیصه‌های حوزه سنتی را به حاشیه راندند. حال آنکه حتی در نظام دانشگاهی روز دنیا، می‌توان نمونه استاد محوری را در قالب تعلیم دانشجویان تحت نظر سوپروایزهایی که بدون ایفای نقش ریاستی بر رشد و تربیت دانشجویان نظارت می‌کنند، مشاهده نمود.

به نظر می‌رسد با توجه به تجربیات حاکم شدن روش دانشگاهی کشور در حوزه، باید استاد محوری احیاء گردد. شیوه‌ای که در آن، برنامه‌ها و نظارت منعطف بوده و با محوریت اهداف اصلی و با معیارهای کیفی، طلاب تحت نظر اساتید دارای مسئولیت فراگیر هدایت شوند.

طبیعتاً در گام اول مشکل کمبود اساتید توانا احساس می‌گردد که می‌توان در برنامه‌ای کوتاه‌مدت، با جذب و تعلیم افراد دارای پتانسیل مشکل نیروی انسانی را تا حدی مرتفع نمود.

نکته مهم آنکه این مسیر نباید به آفات نگاه سازمانی مبتلا گردد. بلکه در برنامه بلندمدت، شبکه‌ای هرمی از اساتید، قابل‌دستیابی است که هر استاد، از سویی تحت هدایت استاد توانمندتر از خود در لایه‌ای بالاتر، به کسب توانایی‌های بیشتر مشغول است و از سوی دیگر، به تربیت تعدادی از طلاب لایه پایین‌تر مشغول می‌شود و نقش سازمان تنها معرفی و نظارت کلان بر این اساتید است که بهره‌مندی از شاخصه‌های روشن برای ورود به این حلقه را مدنظر قرار داده تا از مبتلا شدن به معیارهای کمی و رویه‌های خشک سازمانی مصون بماند

همچنین با تغییر دوره‌ای اساتید، از سویی مسیر دستیابی طلاب به اساتید توانمندتر فراهم می‌گردد و از سوی دیگر آفات مرید بازی قابل مدیریت خواهد بود.

تا زمان استقرار و موفقیت کامل این برنامه نیز، توجه بیشتر به شاخصه‌های اخلاقی و معنوی اساتید در گزینش و اهتمام بیشتر به تربیت بهتر نخبگان و استعدادها برتر و قرار دادن آن‌ها در برنامه‌های استاد محور لازم است. اقتضانات ارزیابی طلاب در این روش و توجه به تأمین نیاز طلاب مستقر در شهرستان‌ها نیز مطالبی است که باید مدنظر قرار گیرد.

به‌کارگیری بیشتر تعلیمات غیرمستقیم به طلاب

تعلیم غیرمستقیم و مهیا نمودن فضای مناسب تربیتی، امری ارزشمند است که در سنت‌های حوزوی به‌وفور قابل‌مشاهده است. زندگی در حجره‌ها، انس با کتب و اساتیدی که غرض اصلی آن‌ها ایفای رسالت و وظایف دینی است، اثری به‌مراتب بیشتر از برنامه‌های رسمی دارد که باید تقویت گردند. از جمله آنکه با تغییر در معیارهای ورودی حوزه‌ها و جذب افراد در سن کمتر، باید دوره زندگی طلبگی را افزایش داد. البته تمام تعالیم غیرمستقیم موجود در فضای حوزوی، عناصر مفیدی نیستند که باید

تا حد ممکن به حذف عناصر نامطلوب پرداخت. نگاه پرننگ حقوقی به اسلام در کتب تعلیمی و کم‌رنگ بودن ابعاد معنوی و اخلاقی، وجود مثال‌های نامناسب در کتب آموزشی و کم‌اعتنایی به مثال‌های قرآنی و روایی، رشد خصیصه جدلی در طلاب با متد حاکم بر برخی کتب و ... نیازمند اصلاح هستند. کما اینکه مطرح نمودن الگوهای مناسب و قابل فهم نیز امر بسیار مهمی است.

۲-۲-۵. توجه جامع تربیتی

جهت ایفای رسالت طلبگی، تنها اسلام‌شناسی و مهذب بودن کافی نیست بلکه مهارت‌ها و شناخت‌های دیگری نیز لازم‌اند که هر طلبه باید در نظام تربیتی آن‌ها را بیاموزد.

شناخت جامعه و مهارت‌های تعامل با انواع و اصناف جامعه امر مهمی است که بدون آن، تبلیغ دین به شکل مطلوب ممکن نیست. از همین رو، قرنطینه کردن طلاب و منحصر شدن آن‌ها در حوزه در دوره طلبگی و توصیه به انزوا و دور شدن از فضای حقیقی جامعه، اشتباهی بزرگ در تربیت طلاب است که سبب ایجاد شوک‌های هویتی در دوره مواجهه با جامعه می‌گردد یا آنکه به تعاملات نامناسب منجر می‌گردد که گاهی طلاب و جاهت و تقدس خود را رها کرده و گاه از امکان برقراری تعامل مفید محروم می‌گردند.

همچنین طلاب باید برای زندگی شخصی خود نیز دستورالعمل‌های روشنی در اختیار داشته باشند و با راهنمایی بزرگان از تردیدها و تحیرها بیرون آیند. لزوم تلبس و زمان مناسب آن، سن مناسب ازدواج، چگونگی انتخاب رشته تخصصی و نوع پرداختن به آن، زمان مناسب تبلیغ، روش انتخاب استاد و ... مهارت‌های لازمی هستند که نظام تربیتی حوزه نباید در تأمین آن ناکارآمدی نشان دهد حال آنکه ناتوانی حوزه نسبت به روشن نمودن مسیر در این امور مشهود است. طلاب نیازمند متون و درس‌نامه‌هایی هستند که اخلاق حرفه‌ای را (لزوم و چگونگی ورزش مناسب، نحوه مناسب مواجهه با توهین دیگران، تشخیص توقعات به حق و نا به جای مخاطبان و ...) برای آن‌ها تبیین کرده باشد و با تعلیم مناسب اقتضائات هويت طلبگي در ابعاد مختلف، مسیر زندگی مادی توأم با حفظ رسالت طلبگی را روشن نماید و گره ذهنی آزردهنده‌ای برای طلاب باقی نگذارد.

۳-۵. بازسازی سازمان حوزه‌های علمیه با توجه به نیازها و اصول هویتی

تحول حوزه‌ها که امری لازم و ضروری بوده، گاهی با حرکاتی نسنجیده همراه شده است. گرت‌برداری معیوب از نظام دانشگاهی، دامن زدن به آفات مدرک‌گرایی و ... نشان می‌دهند که سازمان حوزه نیازمند بازنگری در سیاست‌های تحولی خود است تا سنت‌های ناکارآمد را کنار زده و محاسن خویش را حفظ نماید و در دوره‌ای برنامه‌ریزی شده، گذار خود را کامل نموده و به ساماندهی کامل و منسجمی نائل آید. در این خصوص چند پیشنهاد می‌تواند مدنظر قرار گیرد.

۱-۳-۵. بهسازی نظام نظارتی

کثرت طلاب تمام سنت‌های نظارتی و کنترلی حوزه را دستخوش تحول نموده است. پرننگ شدن اقدامات تنبیهی (معاونت صیانت و دادگاه ویژه و ...) به جای اقدامات تربیتی، روش‌های ارزیابی تحصیلی از امتحانات تا حضور و غیاب و ... علاوه بر آنکه به خودکنترلی آسیب رسانده، کارآمدی مطلوبی نیز نداشته و هزینه‌هایی نیز تحمیل نموده است تا آنجا که گاهی برخورد با یک طلبه، به نوعی برایش اعتبار آفریده است.

به نظر می‌رسد حوزه باید با برجسته‌تر نمودن شاخصه‌های مطلوب و تبیین نظام ارزشی، فضای هموارتری برای اثرگذاری اراده‌ها و خلاقیت‌ها ایجاد نماید. در دوره تربیتی کنترل‌های کیفی را بر کنترل‌های کمی ترجیح دهد و با در پیش گرفتن این مسیر، کنترل‌های بیرونی و اعمال اراده از خارج باید به جای رویه دائمی به نمونه‌های استثنایی تبدیل گردد؛ و در دوره‌های ایفای کارکردها پالایش را تا حد زیادی به مردم واگذار نماید.

۲-۳-۵. پژوهش

با توجه به آنچه در تبیین چپستی هويت طلبگي گذشت، معلوم است که تبیین دقیق هويت طلبگي نیازمند پژوهش و بررسی دقیق‌تر است. برخی از عوارض و لوازم طلبگي به‌مرور زمان تغییر می‌کند و اصرار بر آن‌ها می‌تواند به احساس غلط رخ دادن بحران در هويت طلبگي دامن بزند، یا طلاب را از جانب بزرگان حوزه دچار مشکلاتی نماید. از سویی نیز اگر عوارض لازم و ضروری درست تشخیص داده نشوند، هويت به نحو دیگری دچار آسیب می‌گردد. نمونه روشنی که می‌توان بدان اشاره کرد اینکه زمانی پوشیدن لباس جندی (نظامی) خلاف شأن و مروت روحانیت بود، اما در زمان دفاع مقدس این امر تغییر جدی یافت علیرغم آنکه در اوایل احساس ناخوشایند و تردیدهای جدی در پی داشت. اصرار بر تراشیدن موی سر، ممنوعیت استفاده از ساعت مچی، لزوم پوشیدن نعلین و ... هرکدام می‌تواند خاطرات بسیاری را در ذهن‌ها تداعی کند و چه‌بسا در آینده تلبس نیز این چنین گردد که اکنون برای تحقق آن ضوابط متعددی قرار داده‌شده و از عدم تمایل بخش قابل‌توجهی از طلاب نسبت به آن گله‌گزاری می‌شود.

۳-۳-۵. اصلاح سیاست‌گذاری‌ها

از دیگر اموری که می‌تواند به صیانت مطلوب‌تر از هويت جمعی روحانیت منجر شود، می‌توان به نظایر ذیل اشاره کرد:

پالایش جدی‌تر ورودی‌های حوزه و نهایت دقت برای بهره‌مندی از حدنصاب‌های لازم علمی و اخلاقی

قرار دادن اکثریت طلاب در مسیر تبلیغ و ترویج دین و توجه به ملزوم آن (نظایر تعلیم مهارت‌های تعاملی) و به کارگیری اقلیت برای تولید علم

رعایت حد اعتدال در قانون‌گذاری و پرهیز از فشارهای نفاق پرور

هموار نگاه‌داشتن مسیر رشد خلاقیت‌ها و استعداد‌های طلاب

۴-۵. تثبیت و ارتقاء کارکردهای روحانیت با توجه به مقتضیات جامعه

گلوگاه اصلی بحران هويت نوعی، اخلال در کارکردها و سلب احساس مؤثر و مفید بودن است. از همین رو توجه به کارکردهای روحانیت، خصوصاً با توجه به تغییرات گسترده در آن به دلیل تغییرات مدرنیته و تحولات پس از انقلاب لازم و ضروری است. در این خصوص باید به چند محور مهم توجه داشت.

۱-۴-۵. تقویت کارکردهای اصیل و سنتی

مطمئن‌ترین و قطعی‌ترین راه صیانت از هويت روحانیت، استقرار او در مسیر ایفای کارکردهای اصیلش است که به دلیل سنت‌های مستقر و نهادینه‌شده، مانع بحران‌های هویتی می‌شود. در این خصوص دو مسئله تبلیغ و امامت مسجد، نقش بسیار

برجسته‌ای دارند که متأسفانه هر دو دچار آسیب‌هایی گشته‌اند. مطابق برخی آمار تنها پانزده درصد روحانیون در مساجد به ایفای نقش می‌پردازند و سفرهای تبلیغی نیز دچار افول گشته است. از همین رو این دو مهم نیازمند توجهات جدی هستند.

۲-۴-۵. مدیریت ورود به خدمات اجتماعی

یکی از کارکردهایی که امروزه بسیار برجسته شده و طلاب را به خود می‌خواند، پرداختن به خدمات اجتماعی است؛ اما این مسیر علی‌رغم ارزشمندی نیازمند ضوابط و اصولی است. قطعاً اگر ورود در این عرصه بدون توجه به اولویت‌ها یا بدون توجه به اغراض اصلی باشد، آسیب‌رسان است. هويت اصلی روحانیت، تبلیغ دین الهی و جلب توجهات مردم به سمت خدای متعال است؛ بنابراین اگر طلبه‌ای که هنوز به مرحله لازم برای تبلیغ نرسیده، یا طلبه‌ای که در میانه راه هدف خود را گم می‌کند، بهتر است وارد این مسیر نگردد. همچنین روحانیت برای ایفای نقش در این مسیر باید جایگاه رهبری و امامت داشته باشد و ورود او، به معنای ایجاد یک حرکت گسترده اجتماعی و همراه کردن توده‌ها داشته باشد. نکته مهمی که در این خصوص نباید از نظر دور داشته شود، این که خدمت به مردم باید کاملاً خالصانه و صادقانه باشد؛ و الا اگر خدمت بوی طمع بگیرد، هیچ اثری نخواهد داشت.

۳-۴-۵. تثبیت و پالایش کارکردهای جدید

اصل کلی تبلیغ و تحقق دین، آن قدر وسیع است که دایره بسیار گسترده‌ای از اعمال را می‌توان به نوعی ذیل آن محسوب نمود. از فیلم‌نامه‌نویسی و مجری‌گری در برنامه کودک تا کافه‌داری و نواختن موسیقی و برگزاری مسابقه در ساحل، با ادعای قصد تبلیغ دینی مدنظر برخی از طلاب قرار گرفته است. پالایش این دایره وسیع، با پرداختن به اولویت‌ها و کنار زدن عناصر نامطلوب امر مهمی است که باید بدان مبادرت ورزید و شاخصه‌های طلبه طراز و تبلیغ مناسب دینی در این امر کارآمد هستند.

۵-۵. ترویج دین‌داری اصیل و عقلانی و مقابله با قرائت‌های انحرافی و سطحی

ورود مداحان در مدیریت مناسک دینی، روشنفکران در القای نظریه‌های دینی جدید، خطبا و مبلغان غیرروحانی در تهییج انقلابی و دینی می‌تواند خطری برای دین‌داری و جایگاه روحانیت در صیانت از دین محسوب گردد خصوصاً با توجه به آنکه برخی از این افراد نظر توده‌های بسیاری را به خود جلب کرده‌اند؛ اما آنچه چشم‌ها را پر کرده، عموماً به‌مثابه همان کف آب هستند که چشم‌ها را پر می‌کنند اما دوامی نخواهند داشت؛ بنابراین روحانیت باید با ترویج دین‌داری عقلانی (برخلاف تهییج احساسات) و به‌دوراز بدعت و خرافات و سطحی‌نگری، نقش اساسی خود را ایفا نماید و از افتادن در دام عوام‌گرایی بپرهیزد.

۶-۵. ایفای نقش فعال روحانیت در بازسازی هویتی و به حداقل رساندن انفعال

جامعه طیف‌های گوناگونی دارد و توقعات و خواسته‌های آن‌ها از روحانیت نیز گوناگون است.

خواص مؤمنان با توجه به گسترش رسانه‌ها و سهولت دسترسی به روحانیون توانمند و برجسته، سلیقه‌هایشان سخت‌گیرانه تر شده است و به راحتی یک روحانی را نمی‌پذیرند که باید در کنار تعدیل خواسته‌های آن‌ها، مهارت‌ها و توانمندی‌های طلاب را در حد ممکن رشد داد.

توده‌های مردم خواسته‌های بسیار متنوعی از روحانیت دارند که لازم است برخی از آن خواسته‌ها محترمانه رد شود و روحانیت بداند که نیاید تابع هوا و هوس مردم شود و الا صحنه‌هایی نظیر روحانیون لیدر ورزشگاه‌ها را شاهد خواهیم بود. البته برخی از خواسته‌ها که تحت عنوان کمک به برادر دینی جای می‌گیرند تا آنجا که خلاف شأن و تقدس روحانیت نباشد، می‌تواند اجابت شود. مثل آنکه برخی از روحانیون توقع مداخله برای ازدواج و ... را دارند که محور اساسی در این تعاملات، ایفای نقش فعالانه و مصون ماندن از انفعال و حفظ جایگاه روحانی است.